



کاظم دانشی در گفت‌وگو با «ایران»:

انتخاب «علفزار» در جشنواره فیلم فجر شجاعت می‌خواست

صفحه ۱۵ - ۱۴

چهره‌روز - به بهانه حضور پژمان جمشیدی در «علفزار» و «بی‌مادر»

حرفه‌ای

صفحه ۱۴

قاب ماندگار - به بهانه نمایش نسخه مرمت‌شده «خانه دوست کجاست» در بخش قاب ماندگار

فیلمی از جنس زندگی

صفحه ۱۵

سپیده شریعت‌رئوی

خبرنگار

حسین نمازی که با فیلم «شادروان» در بخش سودای سیمرخ چهلمین جشنواره فیلم فجر حاضر است، می‌گوید متأسفانه تصاویری که از خانواده‌های حاشیه‌نشین منعکس می‌شود، غلط و اشتباه است پس به همین دلیل با مسعود سلامی فیلمبردار پروژه سعی کرده‌اند قاب‌هایی ببینند تا زیبایی‌های بصری درون خانواده را به نمایش بگذارند. «شادروان» عنوان جدیدترین ساخته حسین نمازی به تهیه‌کنندگی عباس نادران است که در دومین روز از چهلمین جشنواره فیلم فجر در سانس دوم خانه جشنواره یعنی برج میلاد به نمایش درمی‌آید. سینا مهرداد، گلاره عباسی، نازنین بیاتی، بهرنگ علوی، با هنرمندی رؤیا تیموریان و با حضور چهره‌هایی چون رضا رویگری و بهرام ابراهیمی بازیگران این اثر سینمایی هستند. همچنین در این فیلم بازیگران تئاتری چون ایمان برات‌پور، محسن مهری، سجاد رضایی، حافظ نبی‌زاده، بهناز نادری، اعظم کبودیان، فرناز صالح‌تاش، الهه افشاری، بابک جعفری، مریم افشار و محمد موسی اکبری نیز نقش آفرینی می‌کنند. حضور این فیلم سینمایی در بخش سودای سیمرخ چهلمین جشنواره فیلم فجر ما را بر آن داشت تا با حسین نمازی درباره جدیدترین ساخته‌اش که اثری متفاوت نسبت به آثار پیشین این کارگردان است و قصد دارد حال مخاطب را خوب کند، گفت‌وگو کنیم که در ادامه می‌خوانید.

برخلاف عمده فیلم‌های سینمایی ایران، دکوپاژ نامحسوسی در «شادروان» دیده می‌شود. از سوی دیگری می‌توان گفت شما در این اثر تلاش کرده‌اید یک کارگردانی رئالیستی و روانی داشته باشید و اتفاقات را جلوی دوربین رقم بزنید. سؤال اینجاست که آیا این اتفاق عایده‌اند رخ داده با سلیقه شما بدین گونه است؟

سلیقه من در کارگردانی تا قبل از «شادروان» مدل دیگری بود اما دوست داشتم مدل‌های دیگر را هم امتحان کنم. از سوی دیگر فیلمنامه این فیلم سینمایی را به گونه‌ای به نگارش درآورده بودم که بسیاری اظهار می‌کردند به شیوه دوربین روی دست باید فیلمبرداری شود، اما من علاقه‌ای نداشتم کار بدین شکل انجام بشود چراکه احساس کردم

شاید بتوان گفت که جدیدترین ساخته شما الگوی یک خانواده ایرانی را به نمایش گذاشته و همبستگی بین اعضای آن را به تصویر کشیده است. چیزی که شاید در گذشته بسیار شاهد آن بودیم اما امروز به دلایل متعدد کمرنگ شده است. کارکرد امروزی این حرف چیست؟

من اصولاً به دنبال بیان حرف خاصی در آثارم نیستم بلکه بیشتر دوست دارم قصه‌ای را به‌صورت درست روایت کنم اما قطعاً تعلقات شخصی من که یکی از آن تعلقات خانواده و فامیل است، ناخودآگاه روی فیلمنامه خانواده محور اثر می‌گذارد. متأسفانه ما این روزها خود را در آفاتمان هایمان محصور کرده‌ایم و حتی ممکن است همسایه کناری‌مان را هم نشناسیم. در حقیقت این شیوه زندگی بسیاری از افراد شده است و آدم‌ها به نوعی از یکدیگر دورند در حالی که این مسأله اصلاً برای من قابل درک نیست. در «شادروان» به این اشاره می‌کنم که فامیل ریشه‌های ما هستند و در هنگام مشکلات می‌توان روی آنها حساب کرد.

سوزه فیلم «شادروان» در بستر یک خانواده حاشیه‌نشین می‌گذرد. اصولاً مشکلات آنها تاکنون سوزه آثار سینمایی بوده است اما شما در فیلم خود به یک مسأله حقوقی پرداختید. دلیل انتخاب این سوزه چه بود و چرا آن را در بستر خانواده حاشیه‌نشین روایت کردید؟

اساساً یک سوزه هرچه به لحاظ دراماتیکی برای من جذاب باشد و تصور کنم که می‌توانم یک درام خوب از آن

خلق کنم، می‌تواند گزینه‌ای برای نوشتن فیلمنامه‌ام باشد. اینکه چرا قصه را در بستر یک خانواده حاشیه‌نشین روایت کردم بدین دلیل بود که این ایده چنین فیلمنامه‌ای می‌طلبید و نمی‌خواستم فضای آپارتمانی پیدا کند.

مسأله بعدی این است که ما متأسفانه در سینما از زیبایی‌هایی که در زندگی مردمان حاشیه‌نشین وجود دارد، غافل مانده‌ایم. خانواده‌ای که مخاطبان در «شادروان» با آن روبه‌رو می‌شوند اگرچه به لحاظ مالی غنی نیست اما با همه وجودشان زندگی می‌کنند البته قصد من ابتدا تقدیس فقر نیست. افراد این خانواده به‌عنوان حاشیه‌نشین، زندگی تمیز و مرتبی ندارند، ارتباط همسایگی‌شان خوب است، به یکدیگر کمک می‌کنند و... یعنی

برایم جذاب بود که تصویری از این دست به نمایش بگذارم چرا که بشدت معتقدم بسیاری از تصاویری که از خانواده‌های حاشیه‌نشین منعکس می‌شود، غلط و اشتباه است و باید از این مسأله که آنها را بدیخت نشان دهیم، بپرهیز کنیم چرا که به هر حال نشان دادن کمبودهای این قشر طبیعتاً اثر مطلوبی در زندگی آنها نمی‌گذارد و درست به همین دلایل است که با مسعود سلامی سعی کرده‌ایم قاب‌هایی ببینیم تا زیبایی‌های بصری درون خانواده را به نمایش بگذاریم.

اینکه گفته می‌شود «شادروان» روایتی شیرین از مولودرام اجتماعی است و مخاطب را می‌خنداند این مسأله را در ذهن مخاطب پدید می‌آورد که قرار است سینما و حتی عده‌ای از سینماگران تصور

آدم‌ها به نوعی از یکدیگر دورند در حالی که این مسأله اصلاً برای من قابل درک نیست. در «شادروان» به این اشاره می‌کنم که فامیل ریشه‌های ما هستند و در هنگام مشکلات می‌توان روی آنها حساب کرد

می‌کنند هر اثری که مخاطب را در بیشتر لحظات فیلم بخنداند کم‌دی است؟ این مسأله ناشی از آشنا نبودن با آن‌های مختلف است یا دلیل دیگری دارد؟

در ابتدا باید بگویم که ژانر در سینمای ایران مرده است یعنی عموم فیلم‌ها در ژانر ساخته نمی‌شوند و تلفیقی از چند ژانر را در فیلم‌ها می‌بینیم. از سوی دیگر ژانر کم‌دی قواعدی دارد که اولین آن اصرار بر خنداندن مخاطب است یعنی ساخته می‌شود تا تماشاگر را بخنداند و سایر موارد در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرد. در حالی که در «شادروان» اصل، قصه است. دومین قاعده کم‌دی این است که باید پایان کاملاً خوش داشته باشد در حالی که فیلم من در پایان حال مخاطب را خوب می‌کند اما پایانی مثل پایان یک فیلم کم‌دی ندارد. در «شادروان» همه شخصیت‌ها جدی هستند.

ترکیب بازیگران پروژه جدید است آیا باید منتظر بازی متفاوت از نقش آفرینان این فیلم سینمایی باشیم؟



دوره در جایگاه متوسطی قرار داشت. در این میان اثر «شیرسنگی» ساخته نوشته «مسعود جعفری جوزانی» توانست با کاندیدا شدن در چند بخش، لوح زرین بهترین نویسنده فیلمنامه و جایزه ویژه هیأت داوران برای بهترین صدگذاری را کسب کند. عنوان بهترین موسیقی متن نیز به «فرهاد فخرالدینی» به خاطر فیلم «گزارش یک قتل» رسید. در این دوره ۲۶۴ فیلم به نمایش درآمد و ۲۲۷ هزار و ۳۵۴ نفر این آثار را تماشا کردند.

به گواه دوستانی که تا الان فیلم را دیده‌اند، بازیگران این پروژه در مجموع بازی‌های گرم و یکدستی را به نمایش گذاشته‌اند. سینا مهرداد یکی از بازیگران فیلم، شمایل دیگری در «شادروان» دارد یعنی مخاطب قرار است «نادر مارادونا»ی حاشیه‌نشین متفاوت ببیند. بهرنگ علوی در این اثر نقشی را ایفا کرده که به لحاظ سنی ده، پانزده سال بالاتر از سن خودش است. این بازیگر کاراکتر چرکی را

بازی می‌کند که بسیاری از ما شبیه آن را در اطرافمان دیده‌ایم. همچنین نازنین بیاتی نقشی جذاب را ایفا می‌کند که تلفیقی از طنز و جدی بودن در آن است. در این فیلم همانند دو اثر قبلی‌ام یعنی سریال «حوالی پاییز» و «آپاندیس» بازیگران جدید نیز به سینما معرفی کرده‌ام.

گلاره عباسی ایفاگر نقش یک زن افغانستانی در این اثر است. دلیل انتخاب گلاره عباسی برای این نقش چه بود؟ می‌گویند وقتی قرار است توانایی بازیگری را بشناسید باید به بازی در سکوت او توجه کنید. گلاره عباسی در این فیلم کمترین دیالوگ را در بین بازیگران داشت همچنین باید با لهجه افغانستانی صحبت می‌کرد. ایشان بهترین انتخاب برای این نقش بود و برایم بسیار اهمیت داشت که این نقش درست از آب دربیاید که اتفاق هم افتاد.

آیا با حضور یک کاراکتر افغانستانی قصد داشتید نگاهی به مسائل مهاجران این کشور داشته باشید؟ مسأله مهاجران افغانستانی به دلایلی برایم همیشه دغدغه بوده و ذهنم را درگیر کرده است. مخاطبان حضور متفاوتی از



ناخدا خورشید